

نشست‌های علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

که به سپرستی عبدالله جاسبی و سرویراستاری بهاءالدین خرمشاهی منتشر شده، مرجعی چندسویه در حافظشناسی و حافظپژوهی معرفی کرد.

حافظپژوهان و حافظپژوهی اثر ابوالقاسم رادفر و کتاب‌شناسی حافظ اثر مهرداد نیکنام مراجع دیگری بود که در این سخنرانی معرفی شد.

استاد خرمشاهی تأکید کرد: زمان کوتاه این سخن اجازه نمی‌دهد تا به آثار دیگر اشاره شود که نشانه‌ی نادیده‌انگاشتن یا کم‌اعتبار پنداشتن آن‌ها نیست.

**دکتر میرجلال الدین کزازی
دوگانه‌گرایی ایرانی در شعر حافظ**

دومین سخنران این نشست، دکتر میرجلال الدین کزازی، استاد بازنیسته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران بود که سخنرانی خود را با موضوع دوگانه‌گرایی ایرانی در شعر حافظ آغاز کرد.

وی با بیان این مقدمه که: پایگان پایه و مایگان مایه‌ی اندیشه‌ورزی و جهان‌بینی ایرانی «دوگانه‌گرایی» است، گاه آشکار و گاه نهان، این پرسش را مطرح کرد که چرا دوگانه‌گرایی بستر اندیشه‌ورزی ایرانی شده و بازتابی گسترده در دیوان خواجه یافته است؟

استاد بازنیسته‌ی زبان و ادبیات فارسی توضیح داد: اگر بخواهم یک پاسخ بدhem این است که سرشت و ساختار اندیشه‌ی ایرانی را دو ناساز می‌سازند که ناچارند از همسازی با یکدیگر. ساختار و سرشت اندیشه در ایران از گونه‌ی حماسی است. این دوگانه‌گرایی در درازنای تاریخ و فرهنگ ایران کاربرد داشته است، تا آنکه به قلمرو زبان نیز راه یافته و واژگان را هم در بر گرفته است. واژگان به دوگونه، بخش می‌شوند: گونه‌ی اهورایی واژه و گونه‌ی اهربینی. ایرانیان در گذشته روا نمی‌داشتند که این دو گونه را باهم درآمیزند. ما در زبان فارسی با واژگانی رو به روییم که هم معنی هستند اما کاربرد متفاوت دارند: دین و کیش، کالبد و تن، دهان و پوزه و... دهانی را پوزه می‌خوانیم که خوشایند نیست، اهربینی است.

دکتر کزازی گفت: مایه‌ی شگفتی نیست اگر این دوگانگی

نخستین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

نخستین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، در تاریخ ۲۰ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این نشست، با حافظخوانی دکتر فرزانه معینی آغاز شد و با سخنرانی سه تن از حافظپژوهان بنام کشور ادامه یافت.

استاد بهاءالدین خرمشاهی
«بعضی از مراجع حافظپژوهی»

نخستین سخنران این نشست، استاد بهاءالدین خرمشاهی، عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود. ایشان در آغاز سخن، از مرکز حافظشناسی و دکتر حسن‌لی، مدیر مرکز، که در برگزاری برنامه‌های ارزشمند علمی مربوط به حافظ همیشه نقشی شایسته دارند، سپاس‌گزاری کرد. سپس معرفی بعضی از مهم‌ترین منابع حافظپژوهی را با کتاب **حافظ** (نشر ناهید) آغاز نمود. در این کتاب که به قلم خرمشاهی تدوین گردیده، ۱۱۰ اثر حافظپژوهانه و دیوان حافظ معرفی شده است. وی یادآوری کرد آنچه در این فرصت خواهم گفت، گزیده‌ای از محتوای همین کتاب است.

تصحیح قدسی شیرازی، علامه قزوینی و هوشنگ ابتهاج (سایه) نسخه‌هایی از دیوان هستند که از نظر استاد خرمشاهی در حافظپژوهی ارزش ویژه دارند. وی در میان واژه‌نامه‌های دیوان حافظ، دو اثر را شایسته‌ی توجه دانست: **فرهنگ اشعار حافظ از احمدعلی رجایی** و **کلک خیال انگیز از دکتر پرویز اهور**. همچنین **فرهنگ واژه‌نمای حافظ**، اثر مهین دخت صدیقیان را اثربودند در تحقیقات حافظپژوهانه خواند.

از نگاه این حافظپژوه نامدار، در میان شرح‌های منتشرشده، شرح **سودی**، شرح **هروی**، **حافظنامه**، **شرح شوق** و **شرح عرفانی غزل‌های حافظ آثاری گره‌گشا** هستند. عضو پیوسته‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، **دانشنامه‌ی حافظ و حافظپژوهی** را

پایه‌گذار و سیصد و نهاده
شماره هفتم

باز از متن‌ها به خصوص آبرمتن‌هایی مثل متن حافظ است. من در این مجال درباره‌ی دیدگاه دوم سخن خواهم گفت با طرح این سوال که آیا موقعیت حافظ در مطالعات انتقادی جدید حفظ می‌شود یا خیر، و به طنز و نقیضه و سخریه می‌انجامد؟ آیا در نهایت اگر مثلًاً به این جا برسیم که حافظ مارکسیست بوده یا آنارشیست نبوده، یا فمنیست بوده یا نبوده، یا پست‌مدرن و امثال

این‌ها، آیا موقعیت حافظ ارتقا خواهد یافت یا خیر؟! استاد دانشگاه فردوسی در ادامه گفت: یکی از پرسش‌های انتقادی این است که آیا اپرکلاسیک‌ها مثلًاً حافظ، می‌توانند هم‌چنان شاعران مردمان جهان که سرشار از اضطراب‌های زیست‌شناختی و دیجیتالی و سایریک هستند، باشند؟ یا می‌توانند شاعران مردمانی باشند که در شبکه‌های مجازی، در معرض ارتباطات وسیع تصادفی قرار دارند و بی‌هراس از پیامدی، اندیشه‌هایشان را بیان می‌کنند و در لحظه برای جهانیان توبیت می‌کنند و شخصاً پویش‌های بزرگ راه می‌اندازند؟ دکتر فتوحی گفت: برای پاسخ به این پرسش می‌بینیم که در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، این شاعران هم‌چنان در مرکز خوانش‌ها قرار دارند. خوانش‌های گوناگون جامعه‌شناختی، زبان‌شناختی، روان‌شناختی، سیاسی و تاریخی هم‌چنان از دیوان حافظ ادامه دارند، بوده، هست و خواهد بود تا زمانی که حافظ متن شبه مقدس ما باشد.

اینکه چرا حافظ محمل چنین خوانش‌هایی می‌شود و مثلًاً خواجهی کرمانی نمی‌شود، به این دلیل است که حافظ، آبرمتن فرهنگی است. حافظ در تاریخ ایران پس از مغول به یک پدیده نمادین و یک وفاق فرهنگی بدل شده، یعنی محمل توافقات فرهنگی میان جامعه‌ی فارسی‌زبان است. دیوان حافظ مثل هر متن ادبی ماندگاری، خواه‌نخواه همراه حرکت تاریخ باخوانندگانش حرکت خواهد کرد.

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی گفت: من در این گفتار به موقعیت حافظ در خوانش‌های نقد و نظریه‌ی ادبی در کشور طی سه- چهار دهه‌ی اخیر که نقد و نظریه‌ی ادبی گسترش یافته است، نظردارم.

او توضیح داد: مجموعه خوانش‌هایی که از حافظ در دسترس داریم و پژوهش‌های ادبی پیرامون حافظ را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد. دسته‌ی نخست، پژوهش‌هایی هستند که مسئله‌ای در شعر حافظ دارند و تلاش می‌کنند آن مسئله را حل کنند. مثلًاً در باب فرم حافظ یا بحث نظریه‌ی بینامنیت یا هرمنوتیک

در سروده‌های حافظ نیز بازتابیده باشد. سخنوری که پس از فردوسی، نماینده‌ی ناخودآگاهی تباری ایرانی است، در این بیت، بستر پندارشناختی، دوگانه‌گرایی سنت و حافظ دوسامانه‌ی ناسازاره رو نهاده است: «به می‌سجاده رنگین کن گرت پیر مغان گوید / که سالک بی‌خبر نبود ز راه و رسم منزل‌ها». می و سجاده روبه روی هم نهاده شده است.

یا در بیت «یادباد آنکه خرابات نشین بودم و مست / و آنچه در مسجدم امروز کم است آنجا بود» خرابات و مسجد در برابر همند. در این بین نیز مدرسه در برابر خانقاہ و میکده نهاده شده است: «حدیث مدرسه و خانقه مگوی که باز / فتاد در سر حافظ هوای میخانه».

دکتر محمود فتوحی رو دمعجنی «حافظ در چهارسوی نظریه‌ی ادبی»

سخنران پایانی این مراسم، دکتر محمود فتوحی رو دمعجنی، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی بود که به موضوع حافظ در چهارسوی نظریه‌ی ادبی پرداخت.



وی در مقدمه‌ی سخنان خود گفت: سخن من در این گفتار پاسخی است به این پرسش که آیا موقعیت حافظ در نتیجه‌ی مطالعات نظری و انتقادی نوین، ارتقا می‌یابد یا تنزل؟

دکتر فتوحی در ادامه به پاسخ این پرسش پرداخت و توضیح داد: در میان محققان ادبیات فارسی دو دیدگاه درباره بازخوانی انتقادی آثار ادبی و فرهنگی وجود دارد؛ دیدگاه نخست از اساس به قرائت جدید از شعر قدیم ناباور است. صدای معروف «حافظ بس» در دهه ۵۰، نماینده‌ی ذهنیت تک صدا و سنت‌گر است. ذهنیتی که نگران شناخت جدید است. این دیدگاه در شکل امروزی‌ترش به نظریه‌ی ادبی روی خوش نشان نمی‌دهد و مزه‌های بلند هویتی میان ما و بیگانه، به ویژه غرب، برمی‌کشد. باورش هم این است که فهم فرهنگ و زبان ما با نظریه‌ی بیگانه ممکن نیست و باید در پی برداشت نظریه‌ی خودی و بومی بود و بومی‌سازی از صدای این بلندی است که این روزها فراوان شنیده می‌شود.

او افزود: اما دیدگاه دوم، قائل به قرائت آزاد و خوانش

حافظ یا شخصیت حافظ و عقاید او که با روش‌های جدید شناختی مورد بحث قرار می‌گیرد. این‌ها دسته‌ای هستند که کانون نگاهشان خود حافظ و مسائل مربوط به حافظ است. این دسته از تحقیقات برای گفتمان حافظشناسی، افزوده‌ی معرفتی به همراه می‌آورند.

وی افزود: دسته‌ی دوم، پژوهش‌هایی هستند که از حافظ اعتبار می‌گیرند یا حافظ را به مدد می‌طلبند برای اینکه معرفتی را گسترش دهند. در این دسته از پژوهش‌ها، حافظ صرفاً یک نمونه‌ی آزمایشی یا شاهد مثالی است برای معرفی یک نظریه از طریق کالبدشکافی و تشریح؛ درست مثل کالبدی که برای تشریح در آزمایشگاه به کار گرفته می‌شود، متن حافظ نیز به کار گرفته می‌شود تا مقاصدی را برای پژوهشگر حاصل کند. پژوهنده از حافظ به مثابه‌ی یک نمونه‌ی متن کانونی در فرهنگ بهره می‌گیرد و دست کم سه انگیزه در کار او هست: نخست اینکه به خوانندگان فارسی‌زبان، یک نظریه را با بهره‌گیری از مقبولیت مقام و موقعیت حافظ معرفی کند؛ دومین انگیزه، آزمودن نظریه با متن حافظ است و نتیجه‌اش این می‌شود که مثلاً نظریه الف برای فهم متن حافظ کارآمد است؛ انگیزه سوم نیز غالباً برای مقاصد آموزشی است که می‌خواهد آموزاندن نظریه را به دیگران براساس حافظ به کار بینند. عمدتاً چنین پژوهش‌هایی نوعی تکلیف آموزشی یا تحصیلی محسوب می‌شوند. بیشتر پژوهش‌های انتقادی پیرامون حافظ، از نوع دوم و سوم هستند، یعنی آزمایشی و آموزشی. به گفته‌ی دکتر فتوحی، متأسفانه مخالفان با نظریه‌ای ادبی، این تکالیف تحصیلی را دست آویز ساختند تا وامود کنند که نظریه‌ی ادبی از اساس ناکارآمد است؛ به ویژه برای ادبیات کلاسیک ما. غافل از این‌که بازخوانی آبرمتنهای فرهنگی و متن‌هایی که بر صحیفه‌ی فرهنگ ماندگار هستند، امری است محظوظ و ناگزیر.

دکتر فتوحی در پایان این پرسش را مطرح کرد که: ارزش بازخوانی حافظ با نظریه‌های ادبی چیست؟ آیا این خوانش‌ها باعث ارتقای مرتبه‌ی حافظ در جامعه می‌شوند یا خیر؟

او توضیح داد: هر معرفت فراگیر نوینی طبعاً کلان‌نمادها و آبرمندانه‌های فرهنگ را بازخوانی می‌کند و مارابه بازاندیشی در سنت، زندگی و نمودهای فرهنگیمان فرامی‌خواند. این‌که یک سوژه‌ی فرهنگی مثل متن حافظ با هر جنبش فکری تازه‌ای به کانون چالش‌های فرهنگی و فکری می‌آید، بخت بلندی است برای پایداری و تداوم آن متن. حافظ با هر تحول فکری این بخت را می‌یابد که به محمل بحث و

شخص‌های نوین بازگردد و افق‌های تازه‌ای به روی فرهنگ و هویت ما بگشاید.

وی گفت: دیوان حافظ در زبان فارسی یک متن نمادین‌شده و شبه‌قدس است که از فرهنگ و هویت ایرانی نمایندگی می‌کند. به تعبیری حافظ، حافظه‌ی ایرانی و فارسی‌زبان‌هاست. طبیعی است که گفتمان‌های مسلط فکری، فرهنگی و سیاسی ناگزیر باشند مواضع خودشان را با کلان‌نماد فرهنگی تنظیم کنند. نظریه‌ی نو و معرفت نو، امکان فهم تازه از حافظ را گسترش می‌دهد و باعث پیوند بیشتر گروه‌های اجتماعی با شعر حافظ می‌شود، مشروط بر این‌که محقق حافظ را به خوبی بشناسد. نظریه‌ها و اندیشه‌های فکری نو، افق‌هایی به روی بازنویسی متون کلاسیک می‌گشایند و تصویر جدیدی از آثار کهن به فرهنگ عرضه می‌کنند و سبب تولید محصولات فرهنگی و هنری از قبیل نمایشنامه، فیلم، موسیقی، نقاشی و ... می‌شوند. همین محصولات فرهنگی نو موقعیت تازه‌ای به آثار کلاسیک و آبرمتن‌ها در جامعه می‌دهند و هم‌چنان آن‌ها را به متن‌های نمادین محل توافق فرهنگی و هویتی بدل می‌کنند و آن‌ها را در کانون فرهنگ نگاه می‌دارند.

دکتر فتوحی در خاتمه گفت: شور و شوق ادراکات تازه از حافظ تا امروز نگذاشته است که خوانندگان به «حافظ بس» ادبیان بزرگ ما توجه کنند و ماجراهی حافظ هم‌چنان پایان ناپذیر مانده است و خواهد ماند. حافظ از آن‌رو که آبرمندانه‌ی فرهنگ ما و یک متن شبه‌قدس است، در مرکز چهارسوی نظریه‌های ادبی و فکری و فلسفی قرار دارد و جامعه نمی‌تواند نسبت به متن شبه‌قدس خود خاموش باشد. خود حافظ نیز می‌گوید: «گوهی دارم و صاحب نظری می‌جویم» و هم او می‌گوید که: «به قدر دانش خود هر کسی کند ادراک». ما نیز می‌گوییم:

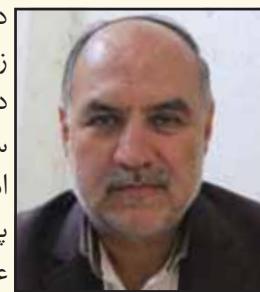
حافظ سخن بگوی که بر صفحه‌ی جهان
این نقش ماند از قلمت یادگار عمر



دومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

دومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ در تاریخ ۲۱ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این نشست، همان‌گونه که پیش‌تر از سوی شورای پژوهشی مركز حافظ‌شناسی-کرسی پژوهشی حافظ اعلام شده بود، رویکردی آسیب‌شناسانه به پژوهش‌های مختلف در پیوند با حافظ داشت.

دکتر غلامرضا کافی «بهره‌ی عاشوراییان از شعر حافظ»



دکتر غلامرضا کافی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز نخستین سخنران این نشست بود. ایشان به واکاوی چگونگی پیوند حافظ با موضوع عاشورا و امام حسین(ع) و سخن از واقعه‌ی عاشورا در شعر حافظ پرداخت.

او گفت: این موضوع کمایش مورد توجه و تحقیق بوده و می‌توان گفت از تحریرهای محل نزاع در باب حافظ بوده است، اینک قصد داریم در این باب یک بررسی منطقی و مستدل با موازین علمی - ادبی انجام دهیم.

عضو هیأت‌علمی دانشگاه شیراز توضیح داد: حاصل درنگ ما می‌گوید، دو گونه تعشق و علاقه‌مندی خاطر، سبب برقراری چنین پیوندهایی با حافظ می‌شود:

۱. تعشق شیعی (خاصه نسبت به حضرت ابا عبدالله الحسین(ع)) و واقعه‌ی عاشورا که هیچ منظر دینی دیگری به این اندازه مورد توجه عموم نبوده است؛ ۲. تعشق ملی - ادبی به ساحت حافظ.

وی افروز: هرکس که این دو مؤلفه را داشته باشد، خواهان برقراری یک پیوند از این قبیل با حافظ و اشعار اوست. دکتر کافی در ادامه توضیح داد: دلایل گوناگونی سبب چنین اقداماتی می‌شود که بخشی از آن را در این مقال آورده‌ایم؛ برای نمونه شاید بتوان گفت این موضوع با اثبات پیوند حافظ با امام حسین(ع) شروع می‌شود که بحث اثبات مذهب حافظ است.

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز، در این باره توضیح داد: اثبات مذهب شیعه در عصر حافظ نسبت به قرن پیش و زمان سعدی کار آسان‌تری است، چه بسا که معاصران و معاشران حافظ، ابرازهای متقن شیعی و شیعگی دارند. برخی اشارات حافظ نیز در ایاتش با نوعی صراحت و شجاعت همراه است که نمی‌توان گفت وی در بیان مذهب، بیان سلیس نداشته و یا صراحت کلام را از دست داده است. اما آنچه که پیداست، مظاهر شیعگی و به طور خاص نام ائمه(ع) در غزل‌های متقن حافظانه نیامده است مگر در یکی دو مورد که آن هم با کنایه به امام علی(ع) و حضرت صاحب‌الزمان(عج) بازمی‌گردد. اما این ابرازها در رباعیات ممکن است به شیوه‌ی آشکارتری نمود داشته باشد.

دکتر کافی در ادامه گفت: علت دیگر، اشعار شیعی مربوط به حافظ است، از جمله غزل معروف «ای دل غلام شاه جهان باش و شاه باش...» که سال‌ها نقش سنگ قبر حافظ بوده است. که البته این غزل خیلی بی‌استناد نبوده و در نسخه‌های معتبری از جمله: نسخه‌ی قدسی، مجلس، کتابخانه ملک و نسخه‌ی فریدون‌میرزا تیموری (که در واقع متعلق به قرن ۹ و نزدیک به زمان حافظ است) ثبت شده، یا بیت «تا جمالت عاشقان را زد به وصل خود صلا/ جان و دل افتاده‌اند از زلف و خالت در بلاء» که آن‌چه از این بیت برمی‌آید، باید متعلق به زمان تیموری و سبک وقوع باشد. و یا بیت «آن‌چه جان عاشقان از دست هجرت می‌کشد / کس ندیده در جهان جز کشتگان کربلا» که اشاره‌ای مستقیم به کربلا دارد و این غزل در نسخه معتبر متعددی آمده است.

او سومین دلیل برقراری پیوند حافظ با موضوع تشیع و شیعه‌گری را، اقوال بزرگانی از جمله علامه طباطبائی عنوان و تأکید کرد: آیت‌الله سعادت‌پور در کتاب جمال افتخار، برداشت‌های مذهبی ایشان از ایات حافظ را جمع‌آوری کرده است.

دکتر کافی در ادامه گفت: اشارات حافظ در قصیده‌ی «فی نعت النبی» که در نسخه‌ی فریدون‌میرزا تیموری ثبت شده است، یکی دیگر از دلایل است. حافظ پس از حمدوثنای خداوند، در نعت پیامبر ایاتی آورده است، البته بر حسب آنچه که از این قصیده در نسخه مکتوب بود، این قصیده دارای غلط وزنی است.

قصیده‌ی دیگری که در منقبت معصومین(ع) سروده شده و در نسخه‌ی فریدون‌میرزا (ص ۶۹۹) ثبت گردیده و مسمط امام‌رضایی که در ص ۷۳۷ نسخه‌ی فریدون‌میرزا ثبت شده است. این حافظ پژوه دلیل دیگر پیوند حافظ به موضوع عاشورا و فرامود حافظ را، اشارات شرح‌ها دانست و گفت: در برخی غزل‌های مشکوک، صراحت‌های گفتاری در پیوند با این موضوع وجود دارد که گاه‌ها همین صراحت بیان، سبب توجه و از طرف دیگر نقد و نقض قرار گرفته است.

علاوه بر غزل‌های مشکوک، در برخی از غزل‌های حافظانه متقن نیز در شرح‌ها اشارات عاشورایی به چشم می‌خورد؛ مانند غزل آغازین حافظ با مطلع «الا یا ایها الساقی...» که در شرح سودی اشاره شده است که برگرفته از بیت عربی بیزید بوده و دکتر همایون فخر در شرح این غزل می‌گوید: این زندی حافظ است که پوشیده و با کنایه خوانده را به امام حسین(ع) ارجاع می‌دهد. و نقله‌های ثقه از ارباب معرفت که حافظ را گرامی داشته‌اند و در هیأت عارف و با

تأویل‌های عارفانه از ایيات، وی را با موضوع عاشورا و اهل بیت(ع) گره زده‌اند؛ از جمله این افراد، جناب رجبعی خیاط در کتاب کیمیای محبت (ص ۶۳) است که ایشان حافظ را از اولیای خدا می‌دانستند و از جایگاه رفیع او در بزرخ خبر دادند. و یا عارفانی نظیر کربلایی احمد تهرانی، سید ضیاءالدین درزی، جناب فتح‌الله‌پور، آیت‌الله سید جعفر مجتبهدی، آیت‌الله نجابت شیرازی و ... از جمله عارفان و افراد مشهور و ثقه‌ای هستند که سخنانی راجع به شیعگی حافظ و یا اشارات مذهبی- عاشورایی به ایيات حافظ را بیان داشته‌اند.

دکتر کافی گفت: دلیل دیگر، تأویل پذیری‌های شعر حافظ است که از آن می‌توان برداشت‌های ذوقی- ضمنی بسیاری داشت. حداقل در ۳۰ غزل از حافظ، چنین تأویل پذیری‌هایی را می‌بینیم. مانند: «یک قصه بیش نیست غم عشق...» که در کتاب حافظ و پیر مغان (ص ۵۴)، تأویل به غم امام حسین(ع) کردۀ‌اند و استدلال حدیثی ایشان از این برداشت برگفته از حدیث «غم آل الله هرگز تکراری نمی‌شود» است و نمونه‌های دیگر در برخی ایيات اشارات گمان برانگیزی وجود دارد که گاهی ذهن خواننده را به پیوند حافظ و عاشورا گره می‌زند، مانند: «زان یار دلنوازم...»، «رندان تشنه لب را...» و «سرها بردیه بینی...» که البته اگر با ایيات قبل و بعد از خودشان بررسی شوند، آنچنان پاسخ‌گوی گمانه‌های عاشورایی نیستند.

او در پایان گفت: گاهی نیز جورچین‌های حساب ابجد است که ذهن خوانندگان را به برقراری رابطه‌ای مذهبی و عاشورایی با بیت حافظ سوق می‌دهد، مانند بیت «بلبلی برگ گلی خورد و گلی حاصل کرد...». درنهایت می‌توان گفت آن تعشق درونی است که علاقه‌مندان را به چنین انتساباتی و اداسته تا سعی کنند پیوندی رامیان این‌ها برقرار سازند.

دکتر سودابه نوذری رویکرد انتقادی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با محوریت حافظ

دومین سخنران دعوت شده از سوی مرکز حافظ شناسی و کرسی پژوهشی حافظ، دکتر سودابه نوذری، عضو هیأت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران بود که



به موضوع رویکرد انتقادی به پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری با محوریت حافظ پرداخت.

دکتر نوذری در سخنرانی خود، ابتدا به بیان مقدماتی درباره‌ی روند انجام این پژوهش پرداخت ازجمله اینکه با بررسی کتاب‌های حوزه‌ی حافظ دریافت‌هه است که مولفان و نویسنده‌گان در آثار خود از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند.

او سپس از راه پایگاه‌های اطلاعاتی متعدد پایان‌نامه‌های مربوط به حافظ را جمع‌آوری می‌کند و با دیدگاه بازیابی اطلاعات و در دسترس قرار دادن آن‌ها برای افراد علاقه‌مند به حوزه‌ی حافظ، به بررسی آن‌ها می‌پردازد. عضو هیأت‌علمی سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، در ادامه درباره‌ی شیوه‌ی کار خود سخن گفت که پایان‌نامه‌ها را براساس نام، چکیده و گاه متن آن‌ها به موضوع‌های مختلفی ازجمله آرایه‌ها، معنا در شعر حافظ، عشق و عرفان، اخلاق در شعر حافظ و ... تقسیم کرده است.

وی توضیح داد: در این مرحله متوجه شده است که پایان‌نامه‌ها در نگاهی کلی به دو دسته‌ی اولیه یعنی پایان‌نامه‌هایی درباره‌ی خود حافظ و پایان‌نامه‌هایی درباره‌ی حافظ و دیگران تقسیم می‌شود که موضوع‌هایی نظیر تأثیرپذیری از حافظ و تأثیر وی از دیگر شاعران در دسته‌ی دوم جای می‌گیرد.

در ادامه دکتر نوذری، تعداد پایان‌نامه‌ها را از نظر سال‌های تدوین آن‌ها مقایسه کرد و گفت: به ترتیب ۵۰ با ۱۴ عنوان در پایین‌ترین قسمت نمودار و ۹۰ با ۲۶۵ و ۲۴۵ عنوان در صدر نمودار قرار دارند. همچنین افزود:

نزدیک به ۸۰ درصد آن‌ها پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد و حدود ۱۰ درصد آن‌ها رساله‌ی دکتری بوده است.

گفتنی است یکی از ویژگی‌های مهم پژوهش نوذری نگاه آسیب‌شناسانه‌ی وی به پایان‌نامه‌ها بوده است که هم برای مخاطب روشن می‌کند که در چه موضوع‌هایی درباره‌ی حافظ بسیار کار شده و هم در چه زمینه‌هایی هنوز امکان پژوهش و قلم زدن وجود دارد. برای نمونه وی بیان داشت که وادی پژوهش در عرصه‌ی بررسی مجموعه شرح‌هایی که بر دیوان حافظ نوشته شده است، هنوز سالکانی علاقه‌مند می‌طلبد.

وی در پایان نیز به این موضوع پرداخت که به رغم تلاش بسیار دانشجویان و استادان راهنما و مشاور، چرا پژوهشگران از این پایان‌نامه‌ها در آثار خود استفاده نمی‌کنند.

او در خاتمه پس از ارزیابی پایان نامه ها و رساله های در پیوند با حافظ گفت: متأسفانه با وجود تلاش های بسیاری که دانشجویان و استادان راهنمای و مشاور برای نوشه شدن این پایان نامه های انجام می دهند؛ پژوهشگران از آن ها در آثار خود استفاده نمی کنند که یکی از موانع این راه، انتشار نیافتن این آثار یا ثبت نشدن آن ها در پایگاه های اطلاعاتی است؛ پیشنهاد عملی در این زمینه حداقل برای حوزه حافظ، ایجاد یک پایگاه خاص از سوی مرکز حافظ شناسی برای ثبت تمامی پایان نامه ها و پژوهش های این حوزه است.

دکتر محسن معینی «نقد و بررسی رویکردها به شخصیت و شعر حافظ در سده اخیر»



آخرین سخنران این نشست، دکتر محسن معینی، عضو هیأت علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی بود که ضمن سپاس از مرکز حافظ شناسی، درباره نقد و بررسی رویکردها به شخصیت و شعر حافظ در سده اخیر سخن گفت.

دکتر معینی ارائه خود را با این جمله آغاز کرد که شمس الدین محمد حافظ شیرازی از مشهورترین و در عین حال از ناشناخته ترین شاعران فارسی زبان است؛ وی افزود: برخی با توجه به اخبار زندگی حافظ که البته بسیار ناچیز و غیرموثق است و بسیاری براساس شعر او که دارای ابهام و ایهام زیادی است، به تحلیل شخصیت و فکر او پرداخته اند. او در ادامه رویکردها به شعر و شخصیت حافظ را با تقسیم بندی متفاوتی ارائه داد.

سومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

سومین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ نیز، در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۹۹ برگزار شد. این مراسم نیز چون دیگر نشست ها، با حافظ خوانی آغاز شد و با سخنرانی های دکتر مریم حسینی، دکتر عبدالحمود رضوانی و دکتر موهونگ یان ادامه یافت.

دکتر مریم حسینی «گریز از هژمونی از سنایی تا حافظ»



در ابتدای این نشست، دکتر مریم حسینی، استاد دانشگاه الزهرا تهران، به موضوع گریز از هژمونی از سنایی تا حافظ پرداخت. دکتر مریم حسینی با این مقدمه سخن خود را آغاز کرد که: در طول تاریخ

عضو هیأت علمی بنیاد دایره المعارف اسلامی گفت: اولین رویکرد، رویکرد متن شناختی است که در آن تصحیح دیوان حافظ ملاک قرار می گیرد. او افزود: بعد از آن، رویکرد ادبی یا معنا شناختی است و مقصود پژوهش هایی است که نویسنده حافظ را صرفاً ادیب تووانایی دانسته و از نظر معنایی و شرح واژگان حافظ را بررسی کرده است.

وی ادامه داد: بررسی تأثیر حافظ از دیگران، بازنگری اشعار حافظ از سوی خودش، نظریه های پاشانی و ترتیب و توالی و تأویل پذیری اشعار او هم در این رویکرد قرار می گیرد. او افزود: رویکرد دیگر، رویکرد بلاغی است و منظور

هزارسالهای شعر پارسی، شاعران زیادی درباره‌ی اوضاع نابه سامان عصر خودشان سخنران رانده‌اند و هرگدام به نوعی تلاش کرده‌اند، نقش رسانه‌ای و اجتماعی خودشان را ادا کنند. برخی مانند سنایی و حافظ، بیش از دیگران به نقد حکومت و دین حاکم زمانه‌ی خودشان گرایش داشته‌اند، سپس در ادامه رابطه‌ی طبقه‌ی فرادست و فروdest را در چارچوب اصطلاح هژمونی کاوید.

وی گفت: هژمونی ترکیبی از عوامل گوناگون سیاسی و فرهنگی و اجتماعی است و از جایی شروع می‌شود که یک طبقه و نمایندگان آن، قدرت خود را از طریق ترکیبی از اجراء و اقناع برطبقات پایین اعمال می‌کنند. در شرایط هژمونیک، مردم چنان باورهای حاکمیت را در خود درونی می‌کنند که دولت، صدای خود را از گلوی آن‌ها می‌شنود. او افزود: در این میان، نقش رسانه‌ها هم در شکل‌دادن به شرایط هژمونیک و هم شکستن آن بارز است.

دکتر حسینی گفت: در زمانه‌ی حافظ، نهادهایی چون مسجد و مدرسه و منبر، مهم‌ترین نهادهای هژمونیک هستند و در کنار این‌ها، شعر نیز ابزاری هژمونیک برای ارباب قدرت به شمار می‌رود. اما در نبرد میان طبقه‌ی حاکم و فروdest، فروdestان هم می‌تواند از ابزارهای هژمونیک استفاده کند.

او توضیح داد: حافظ نیز از همین شعر که ابزار هژمونیک حاکمیت است، برای شکستن هژمونی استفاده می‌کند. او با نهاد روحانیت و سیاست در زمان خودش مبارزه می‌کند و می‌کوشد در دیوان خود، کسانی مانند صوفی و زاهد را به حاشیه براند و در برابر، موقعیت رند را برجسته کند. او با طنز و شوخی با مقدسات شروع می‌کند تا از مقدس‌انگاری واژه‌های دینی بکاهد و با تابوشکنی، قدر و منزلت پذیرفته شده‌ی عرفی را زیر سوال ببرد. او به جای آب پاک و روشن با می‌طهارت می‌کند و نور خدا را به جای مسجد و کعبه در میخانه می‌بیند. وی افزود: حافظ به شیوه‌ی مطابیه‌آمیز، رفتار حاکمانی چون امیر مبارز الدین را تقبیح می‌کند و از دکان روی و ریای زمانه شکایت می‌کند: مشکلی دارم ز دانشمند مجلس بازپرس / توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند....

مریم حسینی در ادامه گفت: البته حافظ به طنز و شوخی بسنده نمی‌کند و گاه به زبان هجوآمیز روی می‌آورد: کجاست صوفی دجال فعل ملحدشکل... / صوفی شهریین که چون لقمه‌ی شببه می‌خورد....

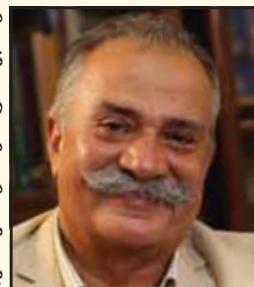
استاد دانشگاه الزهرا گفت: از انواع کارکردهای هژمونیک دولت‌های مقندر، استفاده از مراسم دینی و ملی هست که حافظ آن را هم در دیوانش به طنز و تمسخر می‌گیرد: زاهد و عجب و نمازو من و مستی و نیاز...

او گفت: استفاده از راوی اول شخص نیز دیگر شگرد حافظ برای شکستن هژمونی است. او از آنچه بر خودش رفته سخن می‌گوید: من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی‌کنم / صدبار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم.

دکتر حسینی در پایان به طور کلی شگردهای حافظ برای شکستن هژمونی را چنین خلاصه کرد: کاربرد واژه‌های هژمونیک با لحن طنز و تمسخر، جایه‌جایی نقشه، آفرینش مفهوم تازه برای واژه‌ها، هجوم به تابوها، هجوم به واژه‌های دینی فرادستی و تجاه‌به فسق و فجور.

دکتر عبدالحمود رضوانی

«ترجمه‌ی آثار بزرگانی چون حافظ و دشواری‌های آن»



دومین سخنران این نشست، دکتر عبدالحمود رضوانی، استاد ترجمه و مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم بود. دکتر رضوانی سخنرانی خود را با این مقدمه آغاز کرد که چرا بزرگان ما در دنیا به اندازه‌ی بزرگان غربی شناخته شده نیستند و در بطن آن جوامع حضور ندارند؟ او سپس پاسخ داد: ما در معرفی این بزرگان به جهان اقدامی انجام نداده‌ایم و این می‌تواند ناشی از ناتوانی ما یا اراده نکردن باشد.

وی در ادامه، هدف سخنرانی خود را ترغیب جوانان به امر ترجمه‌ی اشعار حافظ توضیح داد و گفت: اولین قدم به یاد داشتن این نکته است که حافظ شاعر است و سخن‌لایه‌های متعدد دارد که باید در آن‌ها غور کرد و فهمیدشان و درنهایت در ترجمه اعمال کرد و برای این منظور و فهمیدن حافظ، باید با تاریخ زمان او آشنا شد چراکه قبض و بسط زمانه‌ی حافظ کاملاً در شعرش تجلی دارد.

مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم تأکید کرد: با درک دقیق مفهوم شعر، ترجمه، معنی پیدا می‌کند؛ چراکه درک مفهوم به انتخاب واژه کمک می‌کند.

و از آنچاکه هر واژه بار معنایی خاصی دارد، انتخاب آن‌ها امری بسیار ظرفی و دقیق است و حال که حافظ خداوندگار انتخاب واژه‌ی اصلاح است، شایسته می‌نماید

چهارمین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ

چهارمین نشست علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، روز سه شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۹۹، در بستر مجازی برگزار شد. در آخرین نشست علمی، مرکز حافظ شناسی، ضمن سپاس از رایزن فرهنگی ایران در ترکیه، به ویژه آقای محمود صدقی‌زاده رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در آنکارا که در برگزاری این نشست همکاری داشته‌اند، از سخنرانان ترک‌زبان یعنی دکتر حجابی قرلانغیج و پروفسور عدنان دعوت به سخنرانی کرد.

دکتر حجابی قرلانغیج «بررسی حافظ شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه»



دکتر حجابی قرلانغیج، مترجم دیوان حافظ و معاون دانشگاه آنکارا به عنوان نخستین سخنران، موضوع سخنرانی خود را «بررسی حافظ شناسی در دوره‌ی جمهوری ترکیه» معرفی کرد

و گفت: حافظ شیرازی بی‌شک در ادبیات ترکی یکی از شعرای معروف است که در کنار سعدی، مولانا جلال الدین، ملا جامی، خاقانی و نظامی در میان ترک‌زبانان از شهرت به خصوصی برخوردارند.

او توضیح داد: در دوره‌ی عثمانی در مدارس و نیز تدریس ادبیات و شناخت مسائل مختلف زبان، آرایه‌های ادبی و علم عرض از اشعار حافظ استفاده می‌کردند، از همین‌رو برای درک هرچه بیشتر اشعار اقدام به شرح نویسی‌های گوناگونی شد و ترجمه‌هایی از اشعار حافظ پدید آمد.

وی افزود: در دوره‌ی جمهوری نیز این روند ادامه پیدا کرد اما با توجه به اینکه ادبیات ترکی در این زمان وارد عصر جدیدی شده بود، توجه به غرب و فرانسه در آن بیشتر دیده می‌شد، اما باز هم قشر روش فکران از شعر فارسی استقبال می‌کردند و حتی گاها بازتاب شعر شاعرانی چون: سعدی، مولانا و حافظ در مقالات و روزنامه‌ها به چشم می‌خورد.

به گفته‌ی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آنکارا، با توجه به تغییری که در دوره‌ی جمهوری شکل گرفته بود، تعداد اندکی به اصل شعر فارسی توجه داشتند

که ما هم در ترجمه، کلماتی دقیق و درخور برگزینیم. وی افزود: موضوع مهم دیگر در ترجمه‌ی دیوان حافظ، ترجمه‌نایابی بعضی واژه‌های است. آنجاکه برای یک واژه چون «رند» بار معنایی خاصی وجود دارد که معادل بایی را ناممکن می‌کند، مراجع متخصص مثل دانشگاه شیراز باید تعریفی ارائه دهد و برای مراجع دارای صلاحیت غرب بفرستد تا خود آن واژه در انگلیسی بیاید.

نکته‌ی دیگری که دکتر رضوانی برای ترجمه‌ی صحیح شعر حافظ برآن تأکید کرد، انتقال موسیقی شعر حافظ و توجه به تقارن‌ها و توازان‌های کلام اوست که مترجم باید همگی را در نظر داشته باشد. او همچنین افزود: حافظ در استفاده از حروف هم‌معنا هم دقت نظر داشته است؛ برای مثال وقتی از قد صحبت می‌کند، از «الف» بیشترین بهره را در کلام خویش می‌برد؛ هرچه هست از قامت ناسازی‌بی‌اندام ماست / ورنه تشریف تو ببالی کس کوتاه نیست، حافظ خداوندگار واژه‌ی اصلاح است.

مدیر مؤسسه‌ی ترجمان علوم در پایان، خطاب به جوانان بیان داشت که به رغم تمام مشکلات باید قدم در راه گذاشت و نترسید و بلندپرواز بود.

دکتر مو هونگ یان «می و عشق در شعر حافظ»



دکتر مو هونگ یان، استاد دانشگاه مطالعات خارجی پکن و رئیس مرکز ایران‌شناسی این دانشگاه آخرین سخنران سومین نشست علمی یادروز حافظ بود. دکتر مو هونگ یان که خود مترجم آثار کلاسیک و معاصر ایران است، به مبحث می و عشق در شعر حافظ پرداخت.

او با بیان این مقدمه که در سده‌های هجدهم و نوزدهم شعر حافظ از طریق ترجمه‌ها به غرب راه یافت، به تأثیرپذیری شاعران و نویسنده‌گان غرب، به ویژه گوته از حافظ اشاره کرد و گفت: رویکردهای مختلفی درباره‌ی عشق و می در شعر حافظ وجود دارد، اما برای شناخت واقعی شعر حافظ لازم است که به تاریخ زمانه‌ی حافظ و موضوع تصوف تسلط داشت. وی در ادامه به تشریح بعضی از ادبیات حافظ و رویکردهای مختلفی که در تفسیر آن وجود دارد پرداخت.

و همین امر سبب شد تا ترجمه‌هایی از اشعار فارسی خاصه دیوان حافظ، کتاب بوستان و گلستان سعدی و مشوی مولانا صورت گیرد.

دکتر حجابی قرلانغیچ گفت: اولین بار استاد «عبدالباقی» به ترجمه دیوان حافظ مبادرت نمود و اشعار حافظ را به نثر و زبان ترکی ترجمه و شرح کرد. این ترجمه در سال ۱۹۴۴ برای اولین بار به چاپ رسید، اما این ترجمه بیشتر علمی بود و ذوق و سلیقه اشعار حافظ را مستقیماً منعکس نمی‌کرد.

وی تأکید کرد: امروزه در دانشگاه‌ها طی مقالات و رساله‌هایی در مقطع فوق‌لیسانس و دکتری، درباره‌ی رموز و استعارات و مضامون‌سازی شعر حافظ انجام می‌شود که طبق آمار بایگانی سازمان آموزش عالی ترکیه ۴۰ رساله به ثبت رسیده است.

او افزواد: علاوه بر این نوع تحقیقات، در زمینه‌ی ادبیات تطبیقی نیز اشعار حافظ با اشعار شعرای ترک عصر عثمانی مقایسه شده و تأثیر حافظ بر آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، از همین‌رو شعر فارسی برای بهتر شناختن شعر ترکی عصر عثمانی، یک امر ضروری است.

دکتر حجابی قرلانغیچ تصویح کرد: در دوره‌ی جمهوری بعد از ترجمه «گل بیناری» ترجمه‌های جدیدی تهیه شده از جمله ترجمه‌ی دکتر «محمد کانارش» که در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسیده است. در این ترجمه توجه اصلی به مفهوم و معنای شعر حافظ بوده و مانند شعر نو توجهی به وزن و قافیه نداشته است. این شرح بارها در دو مجلد به چاپ رسیده است، از جمله امتیاز این ترجمه در آن است که خوانش اشعار فارسی در آن جای گرفته و وزن غزل رانیزنشان می‌دهد.

وی گفت: بنده نیز ترجمه‌ای را سه سال بعد از دکتر «کانارش» از غزل‌های حافظ انجام دادم، به این گونه که بیت اول غزل حافظ به فارسی چاپ شده و ترجمه‌ی آن را زیر مطلع غزل آورده‌ام.

علاوه بر ادبیات کلاسیک در رشته‌های عرفانی و محافل مختلف، شعر حافظ مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. وی در پایان سخنان خود افزواد: سال‌های اخیر در انجمن مولاناپژوهی برنامه‌ای در روزهای شنبه تهیه کرد که در آن اشعار حافظ را با شرح سودی قرائت می‌شود.

پروفسور عدنان قره اسماعیل آغلو

«جایگاه حافظ شیرازی در فرهنگ و ادب آسیای صغیر»

پروفسور عدنان قره اسماعیل آغلو استاد زبان و ادبیات

فارسی دانشگاه قریق
قلعه-ترکیه، دومین
سخنران این نشست بود که
سخنان خود را با موضوع
جایگاه حافظ شیرازی در
فرهنگ و ادب آسیای صغیر
ارائه داد.



وی در مقدمه‌ی سخنان خود گفت: خواجه حافظ، لسان‌الغیب شیرازی در میان شاعران کلاسیک ترک از جایگاه مهمی برخوردار است.

او توضیح داد: از لحاظ تاریخ ادبیات، دو منطقه‌ی مشترک برای ایرانیان و ترکان وجود داشت: ۱- در خراسان بزرگ-۲-در مواراء‌النهر. شاعران این منطقه به زبان‌های مختلفی از جمله فارسی، عربی و ترکی شعر می‌سروندند و کتاب می‌نوشتند و چون همه به دین اسلام روی آورده بودند و دین مشترک داشتند، افکار و مضامین مشترک میان آن‌ها بروز پیدا می‌کرد. از همین‌رو بسیار دیده شده که مضامین رایج در این دو منطقه تا سرزمین آسیای صغیر می‌رسید و مقبول مردم این خطه بود و چنین مشترکاتی در میان این دو ملت قدمت بسیار دارد. اما می‌توان گفت آن‌چه که اشتراک بین ای دو ملت را آغاز کرده، بحث «بزم‌الست» بوده که در میان آثار ادبیات ترک‌زبان آسیای صغیر تأثیر بسیاری داشته است. به‌گفته‌ی استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قریق قلعه-ترکیه، مردم آسیای صغیر، به‌خصوص طلاب، دانش‌آموزان، علماء و دانشمندان با حافظ آشنا بودند و در دروس‌شان کتاب گلستان و حافظ بوده و نیز در میان مجالس عرفانی، پس از مثنوی معنوی، دیوان حافظ قرائت می‌شده است. این سه کتاب امروزه نیز هم‌چنان در میان ترک‌زبانان و مردم آسیای صغیر رواج دارد و به نوعی اساس فکری مردم این سرزمین شده و از اهمیت به‌خصوصی برخوردار است. این علاقه تا جایی است که بسیاری از شاعران ترک‌زبان هم‌عصر حافظ اشعار وی را حفظ و یا به زبان ترکی ترجمه می‌کرند. به‌نوعی اشعار حافظ برایشان یک الگوی مهمی بود.

دکتر عدنان در ادامه‌ی سخنان خود افزواد: در آسیای صغیر شاعر بزرگی که وی را به عنوان مؤسس شعر ترکی می‌نامد وجود دارد به نام «شیخی» که به گونه‌ای از هم‌عصران حافظ بوده و دیوان حافظ را در اختیار داشته است. مردم آسیای صغیر القاب متفاوتی را برای این شاعر بیان می‌کنند، از جمله: خسرو شعراء، پیش‌ترین شعرای روم و شیخ الشاعرا که ایيات و اشعار بسیاری از این شاعر با

پایه‌های ادبیات و فرهنگ
شیدار و سیصد و نهاده
پایه‌های ادبیات و فرهنگ

پنجمین

غزل‌های حافظ نزدیکی دارد. به طور مثال ابیاتی مانند: جز آستان توان در جهان پناهی نیست، مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید، غلام نرگس جماش آن سهی سروم و... را با همین مضمون در دیوان این شاعر می‌توان جست. می‌توان گفت این دو شاعر عضو یک فرهنگ، دین و حس معنوی مشترک بوده‌اند که از بزم است

ذوق خاصی را به این عالم فانی آورده‌اند.

او گفت: به دلیل استفاده‌ی زیاد از دیوان حافظ در مدارس و طلاق و... عده‌ای از بزرگان به این فکر افتادند تا شرحی از دیوان حافظ به زبان ترکی فراهم آورند. شرح نخستین از مصلح الدین مصطفی سوروی عالم عثمانی (متوفی ۹۶۹)، شرح دوم از مولانا شمعی (متوفی ۱۰۱۱)، شرح سودی (متوفی ۱۰۰۹) و شرح محمد وهبی (متوفی ۱۲۴۴) که دو شرح آخر بسیار مورد توجه و اقبال قرار گرفته است.

وی تأکید کرد: شعرای ترک زبان بسیاری از اشعار حافظ الگوبرداری کرده و هم به زبان فارسی و هم ترکی اشعاری را سروده‌اند، از جمله «فضولی بغدادی» که در ایران نیز شهرتی دارد وی دیوانش را نظیر حافظ با یک بیت عربی آغاز کرده است.

«شاهدی» شاعر قرن دهم هجری که وی ۴۷۲ غزل دارد و به نظریه‌گویی حافظ پرداخته است و سعی داشته که دروزن، قافیه و مضمون با حافظ برابر باشد یا شاعر دیگر به نام «لامعی» (متوفی ۹۳۸) که آثار مولانا جامی را به ترکی ترجمه کرده، مسمط مخمس دارد که در آن سه مصروف از شاعر و دو مصروف از حافظ آورده است.

«امین حلمی» (متوفی ۱۳۰۱) شاعر دیگری است که مسمطی با اشعار حافظ سروده است و از شاعران قرن اخیر نیز «یحیی کمال» (متوفی ۱۹۵۸) بسیار از اشعار حافظ بهره‌مند بوده است.

دکتر روشنک اکرمی حضور حافظ در دفترهای شعر امرسون

سخنران آخر نشسته‌های علمی بیست و چهارمین یادروز حافظ، دکتر روشنک اکرمی، دانش‌آموخته‌ی دانشگاه تگزاس بود. دکتر اکرمی که عنوان سخنرانی خود را حضور حافظ در دفترهای شعر



رالف والدو امرسون معرفی کرد، با این مقدمه سخن خود را آغازید که شاید بعد از علاوه‌ی گوته به حافظ، علاوه‌ی امرسون به او از شناخته شده‌ترین روابط فرامیلیتی باشد. وی افروزد: آنچه شایسته‌ی توجه است، دفاتر شعرو است که از سال ۱۸۲۷ به اشعار خود امرسون اختصاص یافته و از سال ۱۸۴۶ بستره برای ترجمه‌هایش از اشعار حافظ شده است. بررسی این دفاتر نشان می‌دهد که امرسون بیش از ۱۳۰ غزل از حافظ ترجمه کرده است.

دکتر اکرمی بیان داشت که از نظر او توجه صرف به نسخه‌های پایانی ترجمه‌های امرسون از حافظ به معنی نادیده گرفتن حضور حافظ در دفاتر شعری است که به اشعار خود امرسون تعلق دارند؛ چراکه بسیاری از خطوطی که امرسون از حافظ ترجمه می‌کند در نسخه‌های پایانی حذف گردیده یا کوتاه و نامگزاری شده‌اند. نکته‌ی دیگر آنکه در بیشتر موارد جایگیری این ترجمه‌ها در بین اشعاری که به خود امرسون تعلق دارند به نوعی روابط معناداری ایجاد کرده که می‌تواند موضوع بسیار جذابی برای تحقیقات باشد؛ بدین ترتیب که این دفاتر هم به ما این فرصت را می‌دهند تا تصمیم‌های او را به عنوان یک شاعر مترجم بررسی کنیم که به قصد گرفتن الهام به ترجمه‌ی اشعار حافظ روی آورده است و هم اینکه حرکت ذهنی امرسون را دنبال کنیم که چطور از یک مفهوم به مفهوم دیگر انتقال می‌یافته یا اینکه چطور اندیشه‌اش با اندیشه‌ی حافظ تلفیق پیدا می‌کرده است.

وی در ادامه گفت: بررسی‌های یادشده از راه خوانش‌های تکوینی یا ژنتیکی میسر می‌شود. در حقیقت خوانش‌های تکوینی بیشتر از اثر پایانی به پروسه‌ی تولید توجه می‌کنند؛ یعنی تصمیم‌های متوجه از نسخه‌ی اولیه تا پایانی دنبال می‌شود و مورد تحقیق قرار می‌گیرد.

دکتر اکرمی توضیح داد: در خوانش تکوینی یکی از ترجمه‌های امرسون از حافظ درمی‌یابیم که این ترجمه نقش‌های متفاوتی برای وی داشته است؛ از سویی امرسون آن غزل را با درنظر گرفتن حوادث سیاسی و اجتماعی خاص آن زمان انتخاب می‌کند و به شیوه‌های مختلف منتشرمی‌کند و از سوی دیگر از طریق پیش‌نویس ترجمه‌ها متوجه می‌شویم آن غزل در معنای مبدأ خود هم بروی تأثیرگذار بوده است.

وی همچینین اشاره کرد: امرسون این غزل با مطلع «تا راهرو نباشی کی راهبر شوی / ای بی خبر بکوش که صاحب نظر شوی» به طور کامل ترجمه کرده بوده و در

دکترا کرمی در پایان نیز گفت: از راه مطالعه‌ی تکوینی دفاتر امروسون درمی‌یابیم که حافظ برای وی کیمیاگری است که هرچیزی را به زیبایی بیان می‌کند و حضور حافظ در دفاتر امروسون محدود به اشعار و اندیشه‌ی او نیست، بلکه تصویرگر مفاهیم و ارزش‌هایی است که ورای زمان و مکان و ملیت در همنشینی این دو شاعر جان می‌گیرند.

دفاتر شعرش وجود دارد، اما در میان ترجمه‌های نهایی ارائه نشده است. با این حال باید آگاه بود که نبودن این ترجمه در آثار نهایی انکارکننده‌ی تأثیرش بر امروسون نیست؛ بلکه می‌توان ردپای آن را در مقاله‌ای به نام «پرسش» که همان زمان‌ها نوشته بوده است، مشاهده کرد.

